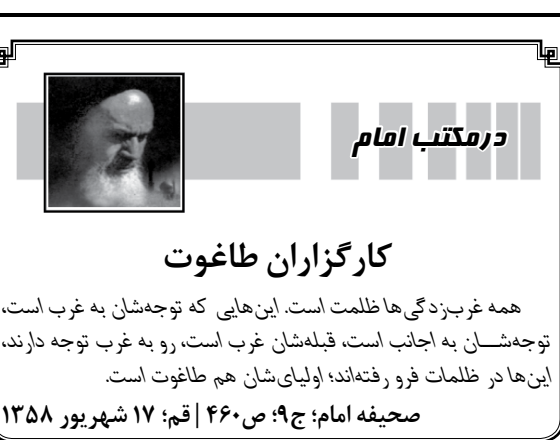




کارگزاران طاغوت

همه غزب‌زدگی‌ها ظلمت است. این‌هایی که توج‌هشان به غُرب است، توج‌هشان به اجانب است، قیله‌شان غُرب است، رو به غُرب توج‌ه دارند، این‌ها در ظلمات فرو رفته‌اند؛ اولیای‌شان هم طاغوت است.

صحیفه امام؛ ج۹: ص ۴۶۰ | ۱۷: ۱۲ شهریور ۱۳۵۸

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

دولت‌گویی و جنس‌دلی در جامعه از بدیهی‌ترین اثر تمدن بشری است. آدمیان متفاوت می‌اندیشند، گوناگون انتخاب می‌کنند و به امور مختلف دل می‌بندند. این ناهمسانی، عرصه رقابت، گفت‌وگو، نقد و تلاش برای بهتر شدن را پدید می‌آورد و همین تفاوت‌هاست که سرچشمه حرکت و مایه پویایی جامعه است. اجتماع انسانی برای جوشش و بالندگی به همریستی رنگ‌های گوناگون نیاز دارد.

تاریخ فرهنگ و تمدن نیز از این نمونه‌ها کم ندارد: اختلاف مکاتب هنری، تقابل دیدگاه‌های فلسفی، تنوع سلیقه‌های ادبی و رقابت میان جریان‌های فکری، همگی در دوره‌های گوناگون به آفرینش، نقد و گرگونی انجامیده‌اند. اندیشه زمانی مجال رشد پیدا می‌کند که با اندیشه‌های دیگر روبه‌رو شود. هر زمانه راه‌های تازه می‌یابد که در برابر شیوه‌های متعوق قرار گیرد و انسان هنگامی در باورهای خود می‌تگرد که صدای متفاوت دیگری را بشنود.

اسما اگر گاهی دیگر پیش برویم و از حوزه ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به قلمرو منافع جهانی و امنیت ملی برسیم، موضوع، صورتی دیگر پیدا می‌کند. در این عرصه، جایی برای دولت‌گویی و تعارض نیست و مردمی که سرشنوشتان به هم گره خورده باید یکدل و منسجم در کنار یکدیگر بایستند. تمامیت‌رازی، استقلال سیاسی، امنیت سرزمینی و حفظ منافع حیاتی کشور، اموری نیستند که جامعه، آنها را در حد تفاوت سلیقه‌ها ببیند و هر اظهار نظری در این باره را تحمل کند. هیچ ملتی نمی‌تواند و نباید در برابر آنچه موجودیت و امنیتش را تهدید می‌کند، مسامحه داشته باشد و برای اثبات صلاح‌طلبی خود، منافع حیاتی‌اش را به قمار بگذارد.

در چنین شرایطی، سخن گفتن از مذاکره نباید آن را به یک واژهٔ زیبای فریبنده و گمراه‌ساز تبدیل کند. مذاکره با طرفی که رسماً سیاست فشار حداکثری را دنبال می‌کند، تنها زمانی معنا دارد که محاسبه‌ای دقیق از هزینه و فایدهٔ قدرت چانه‌زنی، ضمانت اجرا و واکنش و پیامدهای بلندمدت آن در میان باشد.

با این‌که خطر آنگاه ناخواسته می‌شود که جماعتی اندک و معلوم‌الحال، مذاکره را پوششی برای تسلیم شدن قرار دهند و در برابر فشار و تهدید دشمن، به‌جای پشتیبانی از کشور و مردم خویش، از آنها بخواهند سر فرود آورند. به‌جای آنکه از آغاز جنگ، پاسخ بخواهند، کشور خویش را مقصر معرفی کنند و در عوض آنکه دشمن را از بار فشارش مسؤول بماند، برای او عذر بترانند و امتیاز دادن به متجاوز را با نام عطفیات و مسامحت توجیه کنند!

در قیوس این جماعت، گویی واژه‌ها جملای وارونه پوشیده‌اند. آنها الفاظی فاخر و گوش‌نواز بر زبان می‌رانند اما در وری این ظاهر آراسته، مفاهیمی خفیه است که جز خفت و خوارت در پی ندارد.

صلح یعنی امتیاز یک‌طرفه و بیشتر به دشمن دادن و عقب‌نشینی از آرمان‌های یک ملت.

عقلایت یعنی فراموشی گذشته دشمن، چشم فروبستن بر جنگ‌افروزی، تحریم و فشارهای وحشیانه و عبرت نیاموختن از عهده‌گشایی‌ها و بی‌تعهدی‌هایش و بی‌اعتنا ماندن به سنجش هزینه و فایده نشستن بر میز مذاکره. مردم یعنی آنها که در محاسبات خود جایی ندارند ولی باید بهای تصمیمات تو را بپردازند. بی‌اعتنا نظر و منافعشان لحاظ شود.

ای‌دهه یعنی امروز مصلمت چنین است که استقلال و امنیت کشور را واگذار کنیم. برای من دوره مسؤولیت خودهم امداد و پس از آن دیگر به من مربوط نیست! تفکر غریگرای این‌ها که هیچ موضع سیاسی ثابتی در نظر ندارند و شناسایی یک عادت ثابت، عادت به اینکه هر چه چرب‌سب مدرن، لیبرال، حقوق بشر و مموکراتیک داشته باشد، قابل احترام و معاف از نقد است. غریب‌داری یک بیماری لاعلاج است که قلب و مغز فرد را چون توده سرطانی تسخیر می‌کند و روزن امید برای وی باقی نمی‌گذارد.

غریگرا! استدلال نیست، حتی اهل عبرت گرفتن و کسب تجربه! جاده که نه! گوهره‌ها اندیشه او یک‌طرفه است. غریگرا از دوست داشتن غرب به پرستش غرب رسیده و آن را ملامت و معیار فضیلت‌هایش قرار داده است. او نه‌تنها اهل محکوم کردن جنایات دشمن نیست، بلکه آن را توجیه می‌کند. جمله صادق زیباکلام دربارهٔ موشک‌باران مدرسه بمب‌های معروف است. آن زمان که در این جنایت هولناک و جانگاز ۱۶۸ کودک معصوم قطعه‌قطعه شدند گفت: «اینکه امریکا مدرسه میباب را هدف قرار داد حتماً دلیلی داشته است! شما بشیر خوستانان علیه امریکا یک‌سویه است! هیچ وقت گفتید که ما چکار کردیم! زدن پل‌ها، بیمارستان و زیرساخت‌ها! ایران دلاپی دارد!»

در نگاه غریگرا هیچ جنایتی از سوی امریکایی توجیه نمی‌ماند، اما برای میهن، کوچک‌ترین خطا نابخشودنی است. او دشمن را پیوسته اعلمیتان‌بخش و قابل اعتماد می‌داند و ملت خودش را همواره ضعیف و سبزوآزاد مجازات در برابر دشمن زبان خردخواهی دارد و برای وطن یزین سرزنش، برای دشمن لیندخند و تواضع دارد برای مردم خود خشم و عصبیت.

غریگرا هر مطالبه دشمن را منطقی و قابل پذیرش می‌شمرد و به مقلویتی را برابر آن می‌افراطی‌گری و تندروی می‌خواند. دشمن، تعالی و بی‌طرف‌گرای است و برای وطن بنیوت و عقب‌ماندگی، برای دشمن کورتکس (قشر مغز) ضمیم تصور می‌کند و برای خودی کورتکس نازک‌ا! برای دشمن، تمدن و شکوفایی می‌بیند و برای وطن جهل و جهان‌سودگی، برای دشمن، منطق و خردورزی برمی‌شمارد و برای وطن لاجات و ملت سنججویی، برای دشمن، حتی اگر دست به تحریم و جنگ بزند، شرایط پیچیده می‌تراشد، اما برای خودی، لغزشی کافی است تا همه چیز را محکوم کند. یک غریگرا دشمنان را با نظر غلطپوش می‌بیند و وطن را با دیده عیبجو می‌نگرد و همه مناسب این حال است! آنجا که شاعر می‌گوید:

و عین الرضا عن کُلِّ بلیةٍ و کُلِّ غیبةٍ
لأنَّ عینَ السَّخَطِ نَظیرُ العیساوی

چشم عاشق از دیدن عیوب ناآوان است و چشم خشمگین همه کاستی‌ها را آشکار می‌سازد.

غریگرا واژه‌هایی را ملح‌طلبی، تحقیر خود را واقع‌گرایی و دشمن‌پسندی را تعامل معرفی می‌کند.

اما این، گوشه‌ای از ماجرا است! چرا که در بررسی نگاه غریب‌زدگی، هر چه پیش‌تر می‌روی، با نمونه‌های تازه‌تری از وارونه‌نگری و نتایج آن روبه‌رو می‌شوی. گویی این سلسله را پائینی نیست و هر برده که کنار می‌رود، برده‌ای دیگر از مصیبت غریب‌دگی آشکار می‌شود.

اسام (راحل‌ه) بیش از چهار دهه پیش که این جریان هنوز تا بدین حد در جامعه ریزور نکرده و دامنه‌ای چنین گسترده نیافته بود، با بصیرت الهی خود آن را چنین تصویر فرمود: «ما از شر زخاخن و مدمرها خالص شدیم، لکن از تربیت‌یافتگان غرب و شرق به این زودی‌ها نجات نخواهیم یافت. اینان برپادارندگان سلطه ابدی‌ترها هستند».

و این واقعیت امروز چه آشکار و برجسته شده‌ای دشمن، تعالی و بی‌طرف‌گرای است.

دولت باید با تدبیر و عقلییتی، به‌جای آنکا به دستوره‌های اداری و اقداماتی که پاسخگوی مسائل جدید نیست، برنامه‌ای جامع و هماهنگ برای ساماندھی بازار ارز و مدیریت اقتصاد تدوین کند. برنامه‌ای که در آن هم محدودیت‌های واقعی منابع ارزی، کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها و فشارهای خارجی به‌دستی محدود شده باشد و هم با تأکید بر سرمایه‌های داخلی و حضور مردمی که در همه عرصه‌های ذابور تأثیر کرده‌اند در صحنه حاضرند، به جلو گام بردارد. زیرا تنها با اعتماد آفرینی، شفاف‌سازی، اولویت‌بندی هوشمندانه مصرف ارز و همراه کردن آگاهانه مردم می‌توان انتظارات را مهار کرد، از رفتارهای احتیاطی و سفته‌بازانه کاست و اقتصاد را از ورود به چرخه مغرب کاهش ارزش نجات داد.

دولت باید با تدبیر و عقلییتی، به‌جای آنکا به دستوره‌های اداری و اقداماتی که پاسخگوی مسائل جدید نیست، برنامه‌ای جامع و هماهنگ برای ساماندھی بازار ارز و مدیریت اقتصاد تدوین کند. برنامه‌ای که در آن هم محدودیت‌های واقعی منابع ارزی، کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها و فشارهای خارجی به‌دستی محدود شده باشد و هم با تأکید بر سرمایه‌های داخلی و حضور مردمی که در همه عرصه‌های ذابور تأثیر کرده‌اند در صحنه حاضرند، به جلو گام بردارد. زیرا تنها با اعتماد آفرینی، شفاف‌سازی، اولویت‌بندی هوشمندانه مصرف ارز و همراه کردن آگاهانه مردم می‌توان انتظارات را مهار کرد، از رفتارهای احتیاطی و سفته‌بازانه کاست و اقتصاد را از ورود به چرخه مغرب کاهش ارزش نجات داد.

دولت باید با تدبیر و عقلییتی، به‌جای آنکا به دستوره‌های اداری و اقداماتی که پاسخگوی مسائل جدید نیست، برنامه‌ای جامع و هماهنگ برای ساماندھی بازار ارز و مدیریت اقتصاد تدوین کند. برنامه‌ای که در آن هم محدودیت‌های واقعی منابع ارزی، کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها و فشارهای خارجی به‌دستی محدود شده باشد و هم با تأکید بر سرمایه‌های داخلی و حضور مردمی که در همه عرصه‌های ذابور تأثیر کرده‌اند در صحنه حاضرند، به جلو گام بردارد. زیرا تنها با اعتماد آفرینی، شفاف‌سازی، اولویت‌بندی هوشمندانه مصرف ارز و همراه کردن آگاهانه مردم می‌توان انتظارات را مهار کرد، از رفتارهای احتیاطی و سفته‌بازانه کاست و اقتصاد را از ورود به چرخه مغرب کاهش ارزش نجات داد.

دولت باید با تدبیر و عقلییتی، به‌جای آنکا به دستوره‌های اداری و اقداماتی که پاسخگوی مسائل جدید نیست، برنامه‌ای جامع و هماهنگ برای ساماندھی بازار ارز و مدیریت اقتصاد تدوین کند. برنامه‌ای که در آن هم محدودیت‌های واقعی منابع ارزی، کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها و فشارهای خارجی به‌دستی محدود شده باشد و هم با تأکید بر سرمایه‌های داخلی و حضور مردمی که در همه عرصه‌های ذابور تأثیر کرده‌اند در صحنه حاضرند، به جلو گام بردارد. زیرا تنها با اعتماد آفرینی، شفاف‌سازی، اولویت‌بندی هوشمندانه مصرف ارز و همراه کردن آگاهانه مردم می‌توان انتظارات را مهار کرد، از رفتارهای احتیاطی و سفته‌بازانه کاست و اقتصاد را از ورود به چرخه مغرب کاهش ارزش نجات داد.

تأثیر سنگین جنگ بر جیب آمریکایی‌ها

در همین حال روزنامه «فاینشئال تایمز» در گزارش وضعیت جدید سوخت در امریکا می‌نویسد: تنها چند هفته تا انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا مانده و جنگ دونالد ترامپ در ایران، هزینه سوخت را که صنعت و کشاورزی امریکا را می‌چرخاند، به سطوح بی‌سابقه‌ی رسانده است. رئیس‌جمهور با مشاورانش نشست‌های بحرانی برگزار کرده است، در حالی که دولتش شتاب‌زده به دنبال راه‌هایی برای کاهش قیمت‌ها و مهار پیامدهای سیاسی آن است.

گزارش شبکه NBC News هم می‌گوید: زمستان اسامل برای مصرف‌کنندگان امریکایی بسیار گران تمام می‌شود.افزایش شدید هزینه‌های گرمایش خانگی، بلیت هواپیما، بنزین و هزینه‌های ارسال بسته، فشار زیادی به کارشناسان می‌کند. کارشناسان می‌گویند خانوارهایی که به نفت گرمایش (Heating Oil) وابسته هستند، ممکن است شاهد افزایش حدود ۵۰ درصدی قبوض است به‌نحوی که پس از یک روز تدریج به خاطر خبر آزادی ۴۰ میلیون بشکه از ذخایر نفت امریکا، قیمت مجدداً به ۱۰۳ دلار رسید.

عرضه نفت و فراآورده‌ها، همچنان پابین است
روبوینور در گزارشی خاطرنشان کرد: اتحادیه اعلام کرده آماده است همراه با آژانس بین‌المللی انرژی برای آزادسازی اضطراری تازه به‌طور جمعی اقدام کند اما تحلیلگران می‌گویند آزادسازی ذخایر گازوئیل می‌تواند ظرف چند روز قیمت در بهم بنزین را پایین بیاورد اما فقط تسکینی کوتاه‌مدت است.

از طرف دیگر، «جیل آنتیکسون» رئیس پیشین بخش صنعت و بازرگانی نفت در آژانس بین‌المللی انرژی، می‌گوید اقدام گروه هفت برای آزادسازی ذخایر سوخت، اقدامی مثبت است اما مشکل اساسی را که هم‌اکنون پابین‌ت بودن عرضه جهانی از حد معمول است، حل نمی‌کند. هفت ماه پس از آغاز این جنگ در خاورمیانه، ما همچنان در وضعیتی هستیم که عرضه جهانی نفت خام یا فراورده‌های نفتی، به‌طور قابل‌توجهی پابین‌تر از سطح پیش از جنگ باقی مانده است.

ویلکرسون می‌افزاید: کشوری با جمعیتی حدود ۹۲ تا ۹۳ میلیون نفر، به بزرگی اروپای غربی، و با قدرت واقعی در خلیج فارس، اکنون کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و دیگر کشورهای منطقه نیز در حال درک این واقعیت هستند. چنین اردن و مصر نیز می‌فهمند که پس از پایان این جنگ باید با ایران به‌عنوان قدرت واقعی خلیج فارس تعامل کنند.

همچنین بریت هیوم، کارشناس فاکس‌نیوز اذعان کرد: هیچ‌کس نتواند در این دوره انتخاباتی برگ برنده چندی در دست ندارند و همه نظرسنجی‌ها نیز همین را نشان می‌دهند. فکر می‌کنم در یک ماه آینده تغییر چندی در وضعیت هزینه‌های زندگی ایجاد شود. تثبیت شده‌اند و به نفع اینانی نیستند.

رویکردی برای تأثیر پاک بنزین ۱۳۰۰ دلار!
همچنان ویدئوهای متعددی از خشم رانندگان امریکایی به خاطر گرانی سرسام‌آور قیمت سوخت منتشر می‌شود. یک امریکا که حالا که در حال جنگ شده، دیگر از حمایت نمی‌کنم. حمل‌ونقل جاده‌ای در زندگی همه ما نقش دارد: تقریباً هر چیزی که می‌بینیم و استفاده می‌کنیم، با کامیون جابه‌جا شده است.

قیمت گازوئیل به‌شدت بالا رفته؛ در ژانویه بر کردن پاک حدود ۱۲۰۰ دلار سود، اما چند روز پیش بیش از ۱۳۰۰ دلار هزینه داشت. با ورود به جنگ، قیمت‌های ما می‌رود. ما خانواده و قبیض داریم و از حقوقی تا حقوق دیگر زندگی می‌کنیم. اگر این روند ادامه پیدا کند، هزینه‌ها کمبود کار را تا تحلیل‌گران در

مردم امریکا! کمک در راه است

دموکرات‌ها با اشاره به پیامدهای خسارت‌بار عملکرد دولت ترامپ و وخامت اقتصادی، به مردم امریکا وعده کمک می‌دهند. حکیم جفریز، رهبر دموکرات‌های مجلس نمایندگان، با اشاره به به‌لاف رفتن هزینه‌های مسکن، مواد غذایی و خدمات عمومی در دوران ترامپ، می‌گوید: «مرد امریکا به تنگ آمده‌اند». او در استانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، به امریکایی‌ها قول کمک داده و گفته- «کمک در راه است». جفریز همچنین گفت که جمهوریخواهان و ترامپ برخلاف وعده‌های انتخاباتی خود، «یک جنگ انتخاباتی بی‌روا و پرهزینه با ایران» را به راه انداختند، در حالی که مردم امریکا آشکارا با قطعنامه مخالفین او در MAGA تا حد زیادی اقدامات یعنی موجود برای مهار قیمت‌های جنگ انتخابی و بی‌پروا علیه ایران‌اند.

وبگاه «کانورسیشن» از صعود قیمت سوخت بی‌اعتنا به لفاظی‌های ترامپ خبر داد

در این میان رسانه‌ها هم تلاش دارند تا «روایت» کذب تراسب، را مبنی بر «راز بودن تنگ‌های هرزم» و «سوسختن بره کنگه برای ایران»، لافال را زمان برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در امریکا جا بیندازند.

رئیس‌جمهور جایتانکر، کذاب و البته زورگوی امریکاییان روزها هیچ دغدغهٔ سیاسی-اقتصادی بالاتر از نگه‌داشتن قیمت سوخت زیر بشکای ۱۰۰ دلار ندارد. در کنار بهره‌گیری از همه‌ی ابزارهای ممکن، از دستکاری در بازار معاملات کالبدی نفت، دستوری به کشورها برای آزاد کردن ذخایر، به خطر انداختن نفتکش‌های کشورهای مختلف برای تردد اجباری از کریدور غیرقانونی جنوبی خلیج فارس، استفاده از ظرفیت ناوگان ناخال‌های دولت مزدور و صهیونیستی‌امارات و نرخ بی‌سابقهٔ آزادسازی ذخایر استراتژیک خود امریکا، رسانه‌های جریان اصلی امریکا هم به کمک ترامپ آمده‌اند تا «روایت» کذب کاذب سفید، مبنی بر «راز بودن تنگ‌های هرزم» و «سوسختن بره کنگه برای ایران» را، در لافال تا زمان برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در امریکا جا بیندازند.

این میان، متأسفانه بسیاری از رسانه‌ها و کانال‌های خبری داخلی، عمدتاً بدون آگاهی پیگیری دقیق و مطالعه‌ی عمیق رویدادها و رصد بین‌خطوط اخبار و پیگیری منابع مختلف پیستند، به ماشین ترجمه و انتشار اخبار تقلیدی امپراتوری رسانه‌ای کاذب سفید و رئیس‌جمهور کذاب امریکا تبدیل شده‌اند. این در حالی است که بسیاری از تحلیل‌گران و اهالی رسانه‌ی نسبتاً مستقل از رسانه‌های جریان اصلی (که کنترل آن‌ها در نهایت کاهش بیشتر ارزش رِیال را مبنای تصمیم‌های خود قرار دهند. اگر این انتظار تثبیت شود، هزینه بازگرداندن اعتماد به‌مراتب بیشتر خواهد شد.

اقتصاد ایران همچنان آزارهایی برای مدیریت شرایط دارد، اما این ابزارها نامحدود نیستند. ذخایر ارزی، ظرفیت مالی دولت، توان ترانزنامه‌ای بانک‌ها و قدرت خرید مردم همگی منابع قابل استفاده هستند. اکنون زمان آن است که بازار ارز با یک بسته هماهنگ ارزی، مالی، بانکی، تجاری و بهداشتی مدیریت شود. جهش اخیر نرخ ارز باید برای سیاست‌گذاران اقتصادی به یک عدد تازه، بلکه رنگ هشدار نسبت به احتمال ورود اقتصاد به چرخه‌ای باشد که هر روز سکستن آن دشوار تر و پرهزینه‌تر خواهد شد.

دولت باید با تدبیر و عقلییتی، به‌جای آنکا به دستوره‌های اداری و اقداماتی که پاسخگوی مسائل جدید نیست، برنامه‌ای جامع و هماهنگ برای ساماندھی بازار ارز و مدیریت اقتصاد تدوین کند. برنامه‌ای که در آن هم محدودیت‌های واقعی منابع ارزی، کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها و فشارهای خارجی به‌دستی محدود شده باشد و هم با تأکید بر سرمایه‌های داخلی و حضور مردمی که در همه عرصه‌های ذابور تأثیر کرده‌اند در صحنه حاضرند، به جلو گام بردارد. زیرا تنها با اعتماد آفرینی، شفاف‌سازی، اولویت‌بندی هوشمندانه مصرف ارز و همراه کردن آگاهانه مردم می‌توان انتظارات را مهار کرد، از رفتارهای احتیاطی و سفته‌بازانه کاست و اقتصاد را از ورود به چرخه مغرب کاهش ارزش نجات داد.

دولت باید با تدبیر و عقلییتی، به‌جای آنکا به دستوره‌های اداری و اقداماتی که پاسخگوی مسائل جدید نیست، برنامه‌ای جامع و هماهنگ برای ساماندھی بازار ارز و مدیریت اقتصاد تدوین کند. برنامه‌ای که در آن هم محدودیت‌های واقعی منابع ارزی، کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها و فشارهای خارجی به‌دستی محدود شده باشد و هم با تأکید بر سرمایه‌های داخلی و حضور مردمی که در همه عرصه‌های ذابور تأثیر کرده‌اند در صحنه حاضرند، به جلو گام بردارد. زیرا تنها با اعتماد آفرینی، شفاف‌سازی، اولویت‌بندی هوشمندانه مصرف ارز و همراه کردن آگاهانه مردم می‌توان انتظارات را مهار کرد، از رفتارهای احتیاطی و سفته‌بازانه کاست و اقتصاد را از ورود به چرخه مغرب کاهش ارزش نجات داد.

دولت باید با تدبیر و عقلییتی، به‌جای آنکا به دستوره‌های اداری و اقداماتی که پاسخگوی مسائل جدید نیست، برنامه‌ای جامع و هماهنگ برای ساماندھی بازار ارز و مدیریت اقتصاد تدوین کند. برنامه‌ای که در آن هم محدودیت‌های واقعی منابع ارزی، کسری بودجه، ناترازی بانک‌ها و فشارهای خارجی به‌دستی محدود شده باشد و هم با تأکید بر سرمایه‌های داخلی و حضور مردمی که در همه عرصه‌های ذابور تأثیر کرده‌اند در صحنه حاضرند، به جلو گام بردارد. زیرا تنها با اعتماد آفرینی، شفاف‌سازی، اولویت‌بندی هوشمندانه مصرف ارز و همراه کردن آگاهانه مردم می‌توان انتظارات را مهار کرد، از رفتارهای احتیاطی و سفته‌بازانه کاست و اقتصاد را از ورود به چرخه مغرب کاهش ارزش نجات داد.

اخبار کشور

گزارش روز دیوبست و هجدهم گنج

بحران تنگه هرمز با ذخایر نفت حل نمی‌شود ایران، اقتصاد آمریکا را زیر فشار برده است

هشدار صندلی‌های خالی در آلاباما
جن ساکی سخنگوی اسبق کاخ سفید و مجری شبکه MS NOW با اشاره بهس متینگ بی‌روقت ترامپ گفت: «حتی در آلاباما به‌شدت جمهوری‌خواه» هم به نظر می‌رسد شور و اشتیاق نسبت به ترامپ و نمایش انتخاباتی او رو به افول گذاشته است. ترامپ در گردهمایی امشب خود حتی نتوانست نامی از صندلی‌های سالن ۱۰ هزار نفری را بر کند. این در حالی است که ترامپ در آغاز کارزار ریاست‌جمهوری خود در سال ۲۰۱۵، در همین شهر توانسته بود سالنی با ظرفیت سه برابر را کاملاً پر کند. این تصاویر، به عینی از کاهش شور و اشتیاق برایومن ترامپ است.»

ذخایر استراتژیک نفت آمریکا به‌منحوده خبر رسید است
جان مرشاپهر، استاد برجسته علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو تأکید کرد اگر دوباره جنگ شود، جهان وارد رکود اقتصادی می‌شود و انگیزه‌های اقتصادی قدرتمندی برای پایان دادن به جنگ ایران وجود دارد. او گفت: با توجه به وضعیت اقتصاد آمریکا و اقتصاد بین‌المللی، و آنچه در مورد عرضه گازوئیل و نفت و توری می‌کند این امر منجر به آن می‌شود، در جریان است، و با توجه به آنچه در بازار اوراق قرضه می‌گذرد، فکر می‌کنم انگیزه‌های اقتصادی قدرتمندی برای پایان دادن به این جنگ وجود خواهد داشت. شاید حتی پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای، اما قطعاً پس از آن، به نظر می‌رسد که ما به سمت یک رکود جهانی می‌رویم، و اگر مهربان نباشیم، ممکن است در نهایت به یک رکود بزرگ جهانی برسیم. اگر این‌طور نشود، نتیجه نهایی حداقل یک رکود اقتصادی بین‌المللی بزرگ خواهد بود و شاید حتی یک رکود بزرگ.

جان مرشاپهر، همچنین هشدار داد: ذخایر استراتژیک نفت آمریکا به حدود ۲۸۵ میلیون بشکه کاهش یافته است. با نزدیک شدن به پایان سال ۲۰۲۵، آمریکا ۲۵۰ میلیون بشکه، رو داشت بیشتر ممکن است خطر آسیب به مخازن زیرزمینی محل نگهداری نفت را افزایش دهد. آمریکا در این نزدیک‌شدن به نقطه‌ای است که ادامه برداشت از ذخایر استراتژیک دیگر این نخواهد بود. بهران تنگه هرمز را ذخایر نفت نمی‌شود روزنامه اکمن از آژانس ملی انرژی ایالات متحده حدود ۲۲۵ میلیون بشکه از ذخایر راهبردی نفت را فرآورده نفتی آزاد شده است. این میزان از مجموع ۴۰۰ میلیون بشکه‌ای نفت است که کشورهای غربی هفت در ماه مارس وعده آزادسازی آن را داده بودند. به عبارت دیگر، اکمن آزاد شدن ۷۵ میلیون بشکه (یک چهارم) از رقم وعده داده شده اعلام کرده است. شبکه الجزیره هم با قول دیپلمات‌ها و کارشناسان غربی گفت: آزادسازی ۵۰ میلیون بشکه از ذخایر راهبردی اروپا فقط یک شش‌کس موقت است. بهران انرژی ریشه‌ای عمیق‌تر دارد. ترامپ و نتایجاو همچنان علیه ایران را آغاز کردند و حالا افزایش قیمت نفت سوخت، به بحران سیاسی برای آنک تبدیل شده است. اروپا می‌تواند اختیاری را آزاد کند، جنگ دیگر از بازاندازی ذخایر، تبعات جنگ با ایران و بحران تنگه هرمز را آزاد کند. مشکل اصلی ذخایر راهبردی نیست؛ مشکل، جنگ با کامیون بسته شدن تنگه هرمز است.

از سوی دیگر، شرکت‌های انرژی انگلیس هشدار داده‌اند اختلال عرضه گاز در برگیره‌های خاورمیانه می‌تواند بحران انرژی زمستان‌ان را تشدید کند. یونان قبض سالانه خانوارها را به حدود ۲۱۰۰ پوند برساند. کاهش ذخایر گاز اروپا و زمان‌بسر بودن روند برگردن مسکن، احتمال تسادوم قیمت‌های بالای انرژی تا بهار ۲۰۲۷ را افزایش داده است.

ایران، ترامپ را در موقعیت پر گشت‌ناغری باختر قرار داده است
رابرت پیپس، استاد سابق هیئت مدیره دانشگاه شیکاگو با تأکید بر دست برتر ایران در جنگ می‌گوید: فکر می‌کنم این فقط بخشی از استراتژی ایران برای نبود کردن ترامپ است. «مرد امریکا به تنگ آمده‌اند». او در استانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، به امریکایی‌ها قول کمک داده و گفته- «کمک در راه است». جفریز همچنین گفت که جمهوریخواهان و ترامپ برخلاف وعده‌های انتخاباتی خود، «یک جنگ انتخاباتی بی‌روا و پرهزینه با ایران» را به راه انداختند، در حالی که مردم امریکا آشکارا با قطعنامه مخالفین او در MAGA تا حد زیادی اقدامات یعنی موجود برای مهار قیمت‌های جنگ انتخابی و بی‌پروا علیه ایران‌اند.

ایران را از مذاکره پشیمان کردید پس بااعتنای را تحمل کنید
علی المشعنی، تحلیلگر مشهور عمالی هم اظهارنظر جالبی دارد. او گفته است: شما به آغاز جنگ، ایران را عاقل را کمتل زدید؛ و خودتان ایران را بی‌رحم یا سناختید. ایران عاقل دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد. اگر تصور می‌کنید با فشار و تهدید، ایران تسلیم می‌شود، اشتباه کرده‌اید. ایران را زنده‌ای، اقتصادش را عظیم از مونک‌ها و بهیپ‌ها در اختیار دارد و وارد درگیری خواهد شد. وقتی تمام گسانی را به مذاکره و راهحل سیاسی باور دارد، هدف رفتن قرار می‌دهید، چه چیزی برای باقی می‌ماند؟ نظامی‌ای که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارد، مذاکره نمی‌کند؛ می‌جنگد. امروز مسئله فقط موشک و بهیپ‌ها نیست، آنچه امریکا و اسرائیل را نگران کرده، ایران پس از جنگ است؛ ایرانی که هیچ شیبه قلب نخواهد بود.

آمریکا ولو با یک نواقی بد باید جنگ را تمام کند
جیک سالیوان مشاور پیشین امریکا اندعاع آن کرد، به محاصره تهران می‌رود و کاهش صادرات این کشور، مسئله بنیادین را حل نمی‌کند. واقعیت این است که ایران تسلیم نخواهد شد و امریکا باید هر چه زودتر، حتی با پذیرش یک توافق بد، به این جنگ پایان دهد.

چشمگیر قیمت – و شاید حتی کمبودها – ممکن است در راه باشد. فشار کنتنر می‌شود
با وجود بسته شدن هرمز، مقداری نفت توانسته از خلیج فارس خارج شود. عربستان سعودی تولید خود را از طریق خط لوله شرق-غرب، افزایش داد؛ از اقیق در خلیج فارس به‌صورت زمینی تا بنیج در ساحل دریای سرخ امتداد دارد. این خط لوله در ظرفیت کامل می‌تواند تا ۷ میلیون بشکه در روز حمل کند، هرچند معمولاً فقط حدود ۴ تا ۵ میلیون بشکه در روز صادر می‌شود.

اما محلات اواسط سپتامبر به این خط لوله، که عربستان سعودی سفیرنگلیبان تحت حمایت ایران مستقر در عراق را مسئول آن می‌داند، سعودی‌ها را مجبور کرد ارسال نفت از طریق آن خط عملیات را از سر گرفته است، اما احتمالاً حداقل شش تا هشت هفته طول می‌کشد تا ظرفیت کامل خود را بازپایند. حتی همین توقف کوتاه، بازآرایی نفتی را که از